

## مطالعه چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان در ایران: مرور سیستماتیک

محمد معتمدی‌راد\* - استادیار گروه آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.  
محمد علی پور - مدرس دانشگاه فرهنگیان و دانشجوی دکتری، برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.  
عاطفه گرایلی - دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.  
حدیث وردی‌یان - دانشجوی کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.  
امیر عباس رستگاری‌مقدم - دانشجوی کارشناسی آموزش جغرافیا، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۲۹ بهمن ۱۴۰۲  
تاریخ پذیرش: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

### چکیده

**مقدمه:** هر کشوری با توجه به فرهنگ و آداب‌ورسوم درون خود، برای آموزش و پرورش هم راه و رسم خود را دارد. حتی قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های درون هر کشور نیز با توجه به ارزش‌ها، باورها و سنت‌هایی که در زندگی دارند؛ باید تعلیم و تربیتی مختص خودشان را داشته باشند از جمله این خرده‌فرهنگ‌ها در کشور ما که به لحاظ شیوه زندگی کوچ‌نشین و آداب‌ورسوم خاص، آموزش و پرورش ویژه‌ای را می‌طلبد جامعه عشایر است.  
**هدف پژوهش:** هدف از پژوهش حاضر مطالعه چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان در ایران بود.  
**روش‌شناسی تحقیق:** این پژوهش به شیوه مرور نظام‌مند با جستجوی کلمات کلیدی شامل چالش، معضل و مشکل به همراه کلمه مدارس عشایری و مدارس کوچ‌نشین در پایگاه‌های علمی Noormags، Google Scholar، SID، Magiran در فاصله زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۲ در مجلات فارسی انجام شد. نهایتاً ۱۱ مقاله فارسی بررسی شد.

**قلمرو جغرافیایی پژوهش:** قلمروی این پژوهش کوچ‌نشینان ایران می‌باشد.  
**یافته‌ها و بحث:** مهم‌ترین چالش‌های به‌دست‌آمده چالش‌های انگیزشی، بومی و محلی، زیست محیطی و جغرافیایی، برنامه‌ریزی درسی، نظام آموزشی، نیروی انسانی، عدم حمایت مردمی و همچنین مالی و اقتصادی بود.

**نتایج:** در راستای مدارس عشایری ابتدا می‌بایست برنامه جامع و راهبردی به‌وسیله افراد صاحب‌نظر و خبره طراحی و تدوین گردد. در حوزه برنامه‌ریزی درسی می‌بایست با توجه به چالش‌های آموزشی پیش‌آمده، برنامه درسی متناسب با موقعیت‌های محیطی و جغرافیایی این مدارس تدوین شود و آموزش نیروی انسانی خبره و متخصص این مدارس می‌بایست در رأس امور برنامه‌ریزان باشد. همچنین برای مسئولین این مدارس عوامل تشویقی قرار داده شود تا از نظر انگیزشی عاملی برای تقویت و پویایی این مدارس باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مدارس عشایری، کوچ‌نشین، چالش‌ها، مرور نظام‌مند.

## مقدمه

تعلیم و تربیت به معنای فرایند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها هدایت و تقویت گرایش‌ها، شکوفاسازی و هماهنگ کردن استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی برای رسیدن به کمال مطلوب است (سلاطینی، ۱۳۹۵). تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش یک جامعه تأثیر بسزایی در جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان دارد، آماده‌سازی نسل جدید برای ایفای نقش شهروندی و مهارت‌های اجتماعی در جامعه محلی، ملی و جهانی نیز امری مهم است و بالطبع مهارت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه و تربیت اخلاقی انجام می‌گیرد. در این راستا زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش‌آموز در آن به سر می‌برد، داشته باشد و بنابراین باید در دسترس آحاد جامعه باشد (زاهدی و همکاران، ۱۴۰۰).

تضمین دسترسی به آموزش و تکمیل آن، یک اولویت سیاستی حیاتی برای بسیاری از کشورهایی است که برای دستیابی به هدف توسعه پایدار تلاش می‌کنند. در همین راستا، بانک جهانی، اظهار داشت که در عین حال که ارائه کمک‌های مالی به نیازمندان، کیفیت زندگی آن‌ها را بهبود می‌بخشد. وقتی به آن‌ها آموزش می‌دهید دنیا را تغییر می‌دهید. اهمیت آموزش و پرورش در ظرفیت ذاتی آن برای ترویج عدالت، تنوع و صلح پایدار نهفته است (Yusuf & Ikiugu, 2024). بدون شک تعلیم و تربیت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های بشر امروز، در هر جامعه‌ای از مجموعه باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و عوامل اجتماعی اقتصادی آن جامعه نشأت گرفته است و بر آن تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل باوجود بنیادهای نظری مشترک در نظریه‌های آموزش و یادگیری، تفاوت و گوناگونی‌های فراوانی در بین نظام‌های آموزشی جوامع مختلف به وجود آمده است. تأثیر این عوامل بر شکل‌گیری نظام تعلیم و تربیت هر جامعه به‌گونه‌ای است که اقتباس رویکردهای تربیتی، مدیریتی یک نظام آموزشی بدون توجه به‌گونه‌ای فرهنگی و اجتماعی زیست و بالندگی آن نه‌تنها کارآمد نیست، بلکه ناکارآمدی‌های بسیاری را به‌نظام آموزشی تحمیل می‌کند (سرکار آرائی، ۱۳۸۹).

بسیاری از کشورها مانند ایران، به‌طور مستقیم، درگیر تنوع اقوام و فرهنگ‌های مختلف هستند. در طول تاریخ، سه جامعه با ویژگی‌های شهری، روستایی و عشایری در ایران وجود داشته است. مردمان عشایر در مناطق جغرافیایی مختلفی زندگی می‌کنند و در جستجوی آب و مراتع برای حیوانات خود از مکانی به مکان دیگر کوچ می‌کنند (Ismail Ali, 2019). هر کشوری با توجه به فرهنگ و آداب و رسوم درون خود، برای آموزش و پرورش هم راه و رسم خود را دارد. حتی قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های درون هر کشور نیز با توجه به ارزش‌ها، باورها و سنت‌هایی که در زندگی دارند؛ باید تعلیم و تربیتی مختص خودشان را داشته باشند از جمله این خرده‌فرهنگ‌ها در کشور ما که به لحاظ شیوه زندگی کوچ‌نشینی و آداب و رسوم خاص، آموزش و پرورش ویژه‌ای را می‌طلبد جامعه عشایر است (فراهانی و همکاران، ۱۴۰۰). مردم عشایر، با پیدایش زندگی جدید و گسترش دانش و آگاهی‌های مردم و ضرورت‌های امروزی زندگی همانند سایر گروه‌های جامعه به آموزش و تربیت فرزندان خود اقدام کرده‌اند، تاریخچه مدارس عشایری به اقدام سلطان محمد خدابنده در ایجاد مدرسه‌ای سیار که با تغییر محل اقامتگاه وی در بیلاق - قشلاق تغییر مکان می‌داد به‌عنوان اولین مدرسه سیار در ایران برمی‌گردد. هرچند این مدرسه مخصوص نزدیکان و اطرافیان سلطان بود و مردم عادی اجازه ورود به آن را نداشتند (عباسی، ۱۳۸۸).

آموزش یکسان و گسترده در سطح مدارس کل کشور یکی از مهم‌ترین اهداف دولت هست که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از وظایف اصلی دولت آورده شده است. این در حالی است که وسعت جغرافیایی از یک سو و کمبود امکانات مادی از سوی دیگر باعث شده تا نظام آموزش مدارس در نقاط روستایی و عشایری تأسیس گردد (کاشی و آگهیان، ۱۳۸۸). جامعه عشایری در مقایسه با جامعه شهری برای دریافت آموزش با مشکلات اجتماعی و روانی مختلفی روبرو هستند. آموزش عشایر مانند آموزش عادی نیست و به اقدامات ویژه دولت نیاز دارد (Savitri and Honakai, 2018).

بررسی تاریخچه تعلیم و تربیت در بین مردمان عشایر که شیوه زندگی آن‌ها جزء ابتدایی‌ترین شیوه‌های زندگی بشر است (بخشنده نصرت، ۱۳۸۴). گواه آن است که عشایر نیز همانند سایر جوامع، در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود به امر تعلیم و تربیت فرزندان خود همت گماشته و با وجود محدودیت‌های فراوان که با آن مواجه بوده‌اند تا چند قرن قبل با ارائه آموزش‌هایی کاملاً کاربردی برای پسران و دختران خود آن‌ها را برای پاسخگویی به احتیاجات محیط زندگی خویش آماده می‌کرده‌اند (سهرابی، به نقل از عبدلی، ۱۳۹۴).

آموزش عشایری شش سال اول آموزش ابتدایی است که به کودکان جمعیت محروم عشایری کشور ارائه می‌شود. امینو بیان می‌کند که کمیسیون ملی آموزش عشایری (NCNE) نچریه در سال ۱۹۹۰ مطابق سند تنظیمی خود اهداف کوتاه مدت زیر را برای آموزش عشایر مطرح می‌کند: ۱- خواندن همراه با درک و فهم مواد و اطلاعات شغلی آن‌ها ۲- ایجاد مهارت‌های خواندن برای درک اطلاعات مختلف روزنامه‌های ملی، پوسترها، کارت‌های رای دهی و برچسب‌های اقتصادی ۳- نوسن برای ارتباط با دوستان، دولت و شرکت‌ها ۴- انجام محاسبات ساده زندگی

روزمره ۵- توسعه نگرش‌های مثبت و خودپنداری، اعتماد به نفس و استقلال فردی و غیره و اهداف بلند مدت: ۱- ایجاد مهارت افزایش تولید و مدیریت درآمد ۲- آموزش فن آوری برای بهبود و صنعتی کردن محصولات دامی ۳- آموزش جهت ارائه محصولات که در بازار جذابیت لازم را داشته باشد ۴- آموزش مهارت‌های لازم جهت استفاده از تسهیلات و خدمات جدید ۵- آموزش جهت کمک به اقتصاد ملی ۶- آموزش تهیه مقدمات حرفه‌ای و اداری مورد نیاز عشایر ۷- توسعه مهارت‌های بهداشت شخصی و اجتماعی (Liyasu, 2012). شاخص‌ترین اهداف تعلیم و تربیت عشایر از دیدگاه بهمن بیگی شامل سوادآموزی اهداف تقویت کیفیت علمی، کاهش فاصله طبقاتی ترویج آموزش زبان فارسی، تقویت و ترویج روحیه شهامت و شجاعت، تکریم جایگاه زن در جامعه عشایری است (عباسی، ۱۳۹۷).

کمیسیون ملی آموزش عشایری، آموزش عشایری را به‌عنوان آموزش پایه فراگیر عملکردی کیفی برای فرزندان عشایر خارج از سیستم‌های آموزشی رسمی معمولی می‌بیند تا از آموزش برای همه اطمینان حاصل کند. به گفته معارف (۲۰۱۷) هدف اصلی آموزش عشایری ارائه آموزش‌های پایه مرتبط و کاربردی به عشایر است و مهارت‌های بقای عشایر را با ارائه دانش و مهارت‌هایی که آن‌ها را قادر می‌سازد بهره‌وری و سطح درآمد خود را افزایش دهند و همچنین در امور اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشور مشارکت مؤثری داشته باشند، بهبود بخشند. به‌طور خاص می‌توان اهداف آموزش عشایری برگرفته از سیاست ملی آموزش را القای وحدت ملی، توسعه نوع مناسب ارتفاع و ارزش‌ها برای بقای فرد و جامعه، تربیت ذهن در درک کلام اطرافش و کسب مهارت‌ها، توانایی‌ها و شایستگی‌های مناسب اعم از ذهنی، اجتماعی و جسمی نام برد (Aide et al, 2023).

در اسناد بالادستی کشور به آموزش عشایر کوچ‌نشینان اهتمام ویژه دارد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مسئله آموزش عشایر و اهمیت آن پرداخته است به‌طوری که هفتم هدف‌های عملیاتی و راهکار و در محور تامین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت‌های و ویژگی‌های دختران و پسران و مناطق مختلف کشور به راهکار ۳-۵ اشاره دارد و بیان می‌دارد که توانمندسازی دانش‌آموزان ساکن در مناطق محروم، روستاها، حاشیه شهرها، عشایر کوچ‌نشین و همچنین مناطق دو زبانه با نیازهای ویژه، با تاکید بر ایجاد فرصت‌های آموزشی متنوع و با کیفیت تاکید دارد و همچنین در راهکار ۵-۵ به اختصاص ۱۰ و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان‌ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی - ایرانی دانش‌آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی اشاره دارد. همچنین در سند برنامه درسی ملی در محور اصول ناظر بر برنامه‌های درسی و تربیتی و در شاخص ۷-۳- توجه به تفاوت‌ها بیان می‌دارد که برنامه درسی و تربیتی باید ضمن تاکید بر ویژگی‌های مشترک، به تفاوت‌های ناشی از محیط زندگی (شهری، روستایی، عشایری، فرهنگی و جغرافیایی)، جنسیتی، فردی دانش‌آموزان (استعدادها، تواناییها، نیازها، علایق) توجه کرده و از انعطاف لازم برخوردار باشد. همچنین در ذیل مبانی جامعه‌شناختی برنامه درسی ملی و در محور ۱/۷/۷ اشاره دارد که جامعه ایران (شهری، روستایی و عشایری) علاوه بر این که فرهنگ مشترکی دارد، از خرده فرهنگ‌های مختلفی نیز تشکیل شده است، برنامه درسی در برخورد با فرهنگ ملی و خرده فرهنگ‌ها باید نقش فعال، وحدت‌گرا و تعالی بخشی ایفا کند، همچنین پاسخگوی نیازهای متنوع اجتماعی باشد.

در حوزه چالش‌های مدارس عشایری پژوهش‌هایی صورت گرفته است، عبدلی (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد دو کوچ سالانه عشایر در مدرسه حاضر باعث افت ۳۴ درصدی زمان خالص آموزش و به هم ریختن برنامه ریزی درسی آموزشی مدرسه، شتاب در آموزش مطالب درسی و به انجام نرسیدن آموزش کتاب‌های دانش‌آموزان در پایان سال تحصیلی شده است. میرزایی (۱۴۰۰) در پژوهش خود دریافت که چالش‌های تمرکز و عدم تخصیص به‌موقع منابع مالی و اقتصادی مدارس ابتدایی چندپایه عشایری غیر کوچ رو، پراکندگی و محرومیت مرزی و جنگی منطقه و وجود مدارس ابتدایی چندپایه متعدد روستایی و عشایری و دور دست از مرکز منطقه، عدم مشارکت فعال و همکاری لازم و به‌صورت سازمان‌یافته نهادها وجود دارد. محمودی و همکاران (۱۳۹۹) به این یافته رسیدند که علی‌رغم تاکید اسناد بالادستی و اساسنامه‌های آموزش و پرورش، مبنی بر منطبق کردن برنامه‌های درسی با بستر زندگی عشایری، این مهم اتفاق نیفتاده است؛ لذا اقدامات عملی از سوی متصدیان امر ضرورت دارد. ترجمان و سیادت (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان دادند امکان استقرار آموزش مجازی از نظر نیروی انسانی متخصص در حد متوسط و از لحاظ اقدامات فرهنگی، منابع مالی و پشتیبانی و محتوای الکترونیکی وجود ندارد همچنین حیدرزادگان و صندوقداران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نظام آموزشی مناطق عشایری استان در تمام شاخص‌های نرخ گذر تحصیلی، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی، نرخ تراکم و نحوه توزیع معلمان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و فرصت‌های آموزشی آن نابرابر است. آبرو (۲۰۰۶)، عبدی (۲۰۱۰) و ایبائنگا (۲۰۱۶) کاستی‌های زیر را در کوچ‌نشینی در نیجر به شناسایی کردند که می‌توان

به مهاجرت، جنبش مداوم آن‌ها در جستجوی آب و مرتع، نقش حیاتی کودکان در سیستم تولیدی آن‌ها که باعث می‌شود والدین و سرپرستان آن‌ها تمایلی به آزاد کردن کودکان برای شرکت در سیستم رسمی مدرسه نداشته باشند، بی‌ربط بودن برنامه درسی رسمی مدارس که برای پاسخگویی به نیازهای گروه‌های بی‌تحرک اصلی تنظیم شده است و نیازهای آموزشی ویژه عشایر را نادیده می‌گیرد، انزوای فیزیکی، زیرا در مناطق عمدتاً صعب‌العبور زندگی و فعالیت می‌کنند، سیستم زمین داری که تصاحب زمین و اسکان دائمی را برای عشایر مشکل می‌کند، مشکل در جذب معلم و مشکل در نظارت بر دانش‌آموزان عشایری اشاره کرد.

به دلیل اهمیت آموزش و پرورش و نظام تعلیم و تربیت مدارس متعددی به وجود آمده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مدارس عشایری اشاره کرد، با توجه به اینکه در بحث چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است و لازم است به این مدارس توجه کافی و لازم شود، لذا پژوهش حاضر به دنبال مطالعه چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان در ایران از طریق مرور سیستماتیک است.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مروری نظام‌مند است، در مرور سیستماتیک می‌توان با شناسایی دقیق منظم و برنامه‌ریزی شده تمام مطالعات مرتبط، نقد عینی‌تری انجام داد و در مواردی که مطالعات اصلی با مرورهای کلاسیک سنتی و نظرات مؤلفان باهم اختلاف دارند، می‌تواند به حل مسئله کمک نماید (خسروی و پورنقی، ۱۳۹۷). به‌منظور انجام پژوهش یافته‌های منتشرشده در خصوص چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۲ مجلات فارسی در پایگاه‌های اطلاعاتی مجلات فارسی در پایگاه‌های اطلاعاتی NOOR، SID، Google Scholar، Magiran، MAGS و پرتال جامع علوم انسانی موردبررسی قرار گرفتند، در پایگاه‌های اطلاعاتی و نمایه‌های فوق‌الذکر هریک از کلیدواژه‌های مدارس عشایری، عشایر، کوچ، چالش موردبررسی قرار گرفت. معیار ورود مقاله کلیه مقالات و پژوهش‌هایی که در خصوص چالش‌های مدارس عنوان و چکیده و معیارهای زیر موردبررسی قرار گرفتند. معیار ورود مقاله کلیه مقالات و پژوهش‌هایی که در خصوص چالش‌های مدارس عشایری در مجلات داخلی ایران نگارش شده بودند، انتخاب شدند. در مجموع ۴۳۰ مقاله که این شرایط را دارا بودند انتخاب شدند. معیار خروج از میان ۴۳۰ مقاله انتخاب شده مقالاتی که قابلیت دسترسی و تمام متن آن‌ها وجود نداشت از روند بررسی خارج شدند، همچنین مقالاتی که تکراری بوده و متمرکز بر موضوع پژوهش حاضر نبودند نیز از فرایند بررسی خارج شدند، در نهایت ۱۱ مقاله وارد پژوهش شد و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. شکل ۱ مراحل بررسی و انتخاب مقالات جهت ورود به مرور نظام‌مند را نشان می‌دهد.



شکل ۱. مراحل بررسی و انتخاب مقالات جهت ورود به مرور نظام‌مند

## یافته‌ها و بحث

پس از بررسی کلیه مقالات نهایتاً ۱۱ مقاله وارد مطالعه مروری نظام‌مند حاضر شد. مقالات انتخاب‌شده از مجلات، همایش‌ها فارسی انتخاب شدند که در جدول ۱ این مقالات مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و ارائه شدند.

## جدول ۱. تجزیه و تحلیل پژوهش‌های فارسی در زمینه بررسی چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان

نام محقق	عنوان، جمعیت و سال انتشار مقاله	روش و ابزار جمع‌آوری اطلاعات	مهم‌ترین یافته‌های مطالعات
مصطفی عبدلی	چالش کوچ عشایر و مدارس عشایری جمع‌آوری داده‌های کمی و کیفی یک مدرسه عشایری کوچ رو در طول دو سال تحصیلی (۸۹-۹۰ و ۹۰-۹۱) (۱۳۹۴)	مطالعه موردی	دو کوچ سالانه عشایر در مدرسه حاضر باعث افت ۳۴ درصدی زمان خالص آموزش (۵۵ روز از ۱۶۰ روز خالص برنامه‌ریزی شده) و به تبع آن به هم ریختن برنامه ریزی درسی آموزشی مدرسه، شتاب در آموزش مطالب درسی و به انجام نرسیدن آموزش کتاب‌های دانش‌آموزان در پایان سال تحصیلی شده است.
محسن فرمپینی فراهانی، سیدهادی مدنی، احد عظیمی آقبلاغ	تحلیل پدیدارشناسانه‌ی تجارب زیسته آموزگاران از چالش‌های آموزش در مدارس ابتدایی عشایری (۱۴۰۰)	رویکرد پژوهش کیفی و روش پدیدارشناسی توصیفی	بر بنیاد یافته‌های پژوهش می‌توان تجارب مشارکت‌کنندگان را در سه مضمون اصلی بوم‌شناختی، انگیزشی و برنامه درسی دسته‌بندی و توصیف کرد. چالش‌های بوم‌شناختی شامل: ازدواج زودهنگام، غیبت‌های مکرر، اصرار بر تنبیه، محدود نمودن آموزش بر دوره ابتدایی، دو‌زبانگی و دانش‌آموز به‌عنوان نیروی کار بود. چالش‌های انگیزشی در بر دارنده، رغبت تحصیلی، مدرسه به مانند محل تفریح، ترک تحصیل و تحدید یادگیری به مدرسه هست. همچنین، چالش‌های برنامه درسی شامل ارزشیابی کیفی، برنامه درسی متمرکز، امکانات آموزشی و زمان می‌باشد و آموزگاران مورد مطالعه، محدودیت‌های متفاوتی را از تدریس در مدارس عشایری تجربه کرده‌اند و در مجموع با چالش‌های عدیده‌ای در فرایند آموزش روبرو هستند که نیازمند توجه ویژه متولیان امر هست.
مهدی میرزایی	بررسی چالش‌ها و راهکار-های عملی بهبود مدیریت تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی در مدارس ابتدایی چندپایه عشایری غیر کوچ رو آموزش و پرورش منطقه ی موسیان در استان ایلام، اداره آموزش و پرورش منطقه ی موسیان (۱۴۰۰)	شیوه کیفی و به صورت تحلیلی	مهم‌ترین چالش‌ها عبارتند از: تمرکز و عدم تخصیص به‌موقع منابع مالی و اقتصادی به مدارس ابتدایی چندپایه عشایری غیر کوچ‌رو، پراکندگی و محرومیت مرزی و جنگلی منطقه و وجود مدارس ابتدایی چندپایه متعدد روستایی و عشایری و دور دست از مرکز منطقه، عدم مشارکت فعال و همکاری لازم و کافی و به صورت سازمان یافته نهادها، اداره ها، سازمان ها و شرکت های نفتی و تاسیساتی منطقه در کمک و مساعدت های مالی، عدم مشارکت فعال و همکاری سازمان یافته لازم و کافی برخی از والدین متمول و خیرین در کمک‌های مالی به مدارس چندپایه، نبود یک سند و یا منشور واحد در خصوص تخصیص و اصلاح الگوی مصرف بهینه در مدارس ابتدایی چندپایه عشایری کوچ رو، نبود ساز و کارهای مشخص حمایتی، اعتباری و مالی نظیر: صندوق‌های مالی و حمایتی، صندوق‌های وام های کلان و خرد، سهم‌خواهی برخی از مدیران مدارس ابتدایی چندپایه عشایری غیر کوچ رو در جهت تخصیص بیشتر منابع مالی و بودجه ای به مدارس تحت مدیریت خود، نبود یک برنامه مدیریتی در

خصوص ارائه و فروش محصولات و تولیدات صنایع دستی و هنری عشایری محلی مدارس، بالا بودن هزینه های جاری در مدارس ابتدایی چندپایه عشایری غیر کوچ رو و عدم تطبیق محاسبه آن‌ها با سایر مدارس، نبود عزم جدی در خصوص اجرای سند تحول بنیادین و ضعف در اطلاع رسانی در خصوص ابعاد مالی و اقتصادی سند تحول بنیادین به جامعه هدف عشایری، عدم شناخت و سواد مالی لازم و کافی برخی از کارشناسان اداری، مدیران و معلمان، عدم تخصیص منابع مالی برای مصرف متناسب با هر پایه تحصیلی در مدارس چندپایه و در نهایت نبود یک برنامه نیازسنجی واقعی، دقیق، جامع و علمی در خصوص نحوه تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی قبل از آغاز هر سال تحصیلی برای مدارس ابتدایی چندپایه عشایری غیر کوچ رو.

با رویکرد کیفی، از نوع تحلیل محتوای کیفی هدایت شده با نمونه گیری هدفمند و از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته

علی‌رغم تأکید اسناد بالادستی و اساسنامه‌های آموزش و پرورش، مبنی بر منطبق کردن برنامه های درسی با بستر زندگی عشایری، این مهم اتفاق نیفتاده است؛ لذا اقدامات عملی از سوی متصدیان امر ضرورت دارد

جامعه مورد مطالعه از حیث زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری آمادگی لازم جهت استقرار آموزش مجازی را داراست و امکان استقرار آموزش مجازی از نظر نیروی انسانی متخصص در حد متوسط و از لحاظ اقدامات فرهنگی، منابع مالی و پشتیبانی و محتوای الکترونیکی وجود ندارد، نهایتاً با توجه به شرایط، امکان استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایر استان لرستان وجود ندارد

روش پژوهش توصیفی - پیمایشی (زمینه یابی)

کامبود کلاس‌های درس و فضا های آموزشی و عدم بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی روز از مهم‌ترین مشکلات بر سر راه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان عشایری است.

تحقیق از نظر ماهیت، کیفی، و از لحاظ هدف، کاربردی، و از لحاظ روش توصیفی - تحلیلی است.

این تحقیق، تحقیقی روایی است که به انگاره تحقیقات کیفی و تفسیرگرانه تعلق دارد.

با رویکرد

کیفی، از نوع تحلیل محتوای کیفی هدایت شده با نمونه گیری هدفمند و از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته

روش پژوهش توصیفی - پیمایشی (زمینه یابی)

تحقیق از نظر ماهیت، کیفی، و از لحاظ هدف، کاربردی، و از لحاظ روش توصیفی - تحلیلی است.

این تحقیق، تحقیقی روایی است که به انگاره تحقیقات کیفی و تفسیرگرانه تعلق دارد.

مطالعه و ویژگی‌های عناصر

برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری، ۱۵ نفر از معلمان شاغل مدارس (۱۳۹۹)

امکان سنجی استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان

جامعه آماری این پژوهش شامل معلمان، کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات و کادر اجرایی مدارس متوسطه مناطق روستایی و عشایری استان لرستان با تعداد ۱۲۲۳ نفر هست که با استفاده از جدول مورگان تعداد ۲۹۲ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب گردید. (۱۳۹۸)

واکاوای چالش‌ها و فرصت‌های آموزش و پرورش عشایری با تکیه بر تکنولوژی آموزشی

.... (۱۴۰۲)

فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ رو: روایت‌های یک معلم، روایت‌های یک معلم در اولین سال خدمت (۱۳۹۱)

فیروز، محمودی، احد عظیمی آقبلاغ، سیدهدای مدنی

ترجمان لیلا، سیادت سیدحسین

خدیجه بنده الهی، مرتضی بنده الهی

محمد عطاران، مصطفی عبدلی

- فرصت‌های آموزشی  
دانش‌آموزان عشایر استان  
سیستان و بلوچستان: (برابر یا  
نابرابر)
- جامعه‌آماری شامل کلیه  
دانش‌آموزان عشایر در مقاطع  
آموزشی سه‌گانه در سال  
تحصیلی ۹۰-۸۹ مناطق و  
شهرستان‌های استان بوده  
(۱۳۹۶)
- علی‌رضا حیدرزادگان،  
محمد حسین صندوقداران
- بررسی موانع و شیوه‌های  
جذب کودکان بازمانده از تحصیل  
در مناطق روستایی و عشایری  
جامعه‌آماری بخش کمّی،  
معلمان و مدیران مدارس روستایی  
و عشایری استانهای  
آذربایجان شرقی و آذربایجان  
غربی به تعداد ۱۷۶۷۳ نفر است.  
جامعه‌آماری بخش کیفی،  
کودکان بازمانده از تحصیل،  
والدین آنان و مسئولان منطقه‌ای  
و استانی مطلع از موضوع هستند  
(۱۳۹۶)
- حیدر تورانی، سعید  
عارف نژاد
- واکاوی شایستگی‌های  
معلمان عشایر کوچنده:  
مطالعه پدیدارشناسانه  
جامعه ۵۷ نفر معلم دارای  
تجربه تدریس در مناطق عشایری  
(۱۳۹۹)
- بررسی و تحلیل اهداف تعلیم  
و تربیت عشایر با تکیه بر  
دیدگاه‌های تربیتی بهمن بیگی:  
تحلیل محتوای کیفی  
جامعه ۱۰ نفر از مجریان نظام  
آموزشی از نزدیکان بهمن بیگی  
(۱۳۹۷)
- یغقوب رحیمی  
پردنجانی، مریم شفیعی  
سروستانی، جعفر جهانی،  
مهدی محمدی
- اسدالله عباسی
- نظام آموزشی مناطق عشایری استان در تمام شاخص‌های نرخ گذر  
تحصیلی، ضریب بهره‌برداری از فضاهای آموزشی، نرخ تراکم و نحوه توزیع  
معلمین در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از وضعیت مناسبی برخوردار  
نمی‌باشد و فرصت‌های آموزشی آن نابرابر است.
- روش انجام  
این پژوهش  
توصیفی - تحلیلی  
هست
- بخش کمّی  
آن به روش  
توصیفی و بخش  
کیفی آن به روش  
پدیدارشناسی  
انجام شده است.
- نتایج بخش کمّی نشان داد که موانع فرهنگی از سه عامل، موانع  
فردی از یک عامل، موانع جغرافیایی از دو عامل، موانع اقتصادی از دو  
عامل، موانع سازمانی از دو عامل و شیوه‌های جذب از شش عامل تشکیل  
شده است. از نتایج بخش کیفی تحقیق، هشت مضمون اصلی به منزله  
موانع و شش مضمون اصلی به‌عنوان شیوه‌ها و راهکارهای جذب کودکان  
بازمانده از تحصیل به‌دست آمده است.
- با توجه به شرایط خاص اجتماعی منطقه مثل سنتی بودن مردم،  
فقر فرهنگی، محیط همراه با رمه‌داری، کوچ و عشیره‌ای بودن نظام ایلی به  
همراه همه مشکلاتی که همه این عوامل پیش روی زندگی معلم به وجود  
می‌آورند، علاوه بر مهارت‌های تدریس شایستگی‌های دیگری مانند  
مهارت‌های جغرافیایی، ارتباطی و خدمت‌رسانی دینی برای معلمان مورد  
نیاز است.
- نمونه‌گیری  
هدفمند و روش  
گلوله‌برفی
- تحلیل  
محتوای کیفی از  
طریق مصاحبه  
کیفی نیمه  
ساختاریافته
- بعد از سواد آموزی اهداف تقویت کیفیت علمی، کاهش فاصله طبقاتی  
ترویج زبان فارسی، تقویت و ترویج روحیه شهامت و شجاعت، تکریم  
جایگاه زن در جامعه عشایری، در این نظام آموزشی از اولویت بیشتری  
برخوردار بوده‌اند و اهداف سیاسی و اعتقادی از اولویت کمتری برخوردار  
بوده‌اند.

## جدول ۲. چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان در ایران

تم	مضامین اصلی	مضامین فرعی
انگیزشی	بی‌انگیزه شدن دانش‌آموزان، نبود رغبت تحصیلی، منحصر کردن یادگیری به مدرسه، ترک تحصیل، سپری کردن وقت و فرار از کارهای روزمره دامداری توسط دانش‌آموزها، افت تحصیلی، عدم امید به موفقیت تحصیلی، وجود انگاره ترک تحصیل سبب موفقیت اقتصادی، تأثیر منفی ارزشیابی توصیفی در انگیزه پیشرفت تحصیلی، بی‌اعتمادی به‌نظام آموزشی، نگرش منفی نسبت به تحصیل، ترس از مدرسه، انگیزه پایین معلمان	
بومی و محلی	غیبت به دلیل کوچ خانواده، طولانی بودن مدت کوچ، رقابت‌های منفی و خودبرتری‌تصنات خانوادگی، دعوای فیزیکی و لفظی، تفاخر به دارایی خانواده، نوع معیشت خاص، دایره واژگان محدود، خشک‌سالی و بالا رفتن هزینه خوراک دام، در آغاز فصل بهار، غیبت‌های قبل کوچ پاییزه و در حین کوچ پاییزه در حین کوچ بهار و بعد از کوچ بهار، نداشتن برنامه زمانی ثابت و منظم مردم عشایر، اولویت قرار دادن کوچ دام‌ها نسبت به درس خواندن فرزندان، ازدواج زودهنگام، دانش‌آموز به‌عنوان نیروی کار، دوزبانگی، نگاه سنتی به فرزندان دختر، فقر، فقدان آگاهی والدین از اهمیت تحصیل، تحرک پی‌درپی خانواده‌ها به‌منظور پیدا کردن محل مناسب، غیبت‌های مکرر، بی‌سوادی و کم‌سوادی والدین، اشتغال کودکان در پرورش حیوانات، ساخت قبیله‌ای، شیوه زندگی شبانی، اتکای معاش به دامداری و کشاورزی، تعصبات، خرافات، فقر فرهنگی، سنتی بودن مردم، طلاق، اعتیاد پدر، بی‌تفاوتی والدین نسبت به تحصیل دختران	
جغرافیا و زیست محیطی	ابعاد فیزیکی و محیطی محدود مدرسه، پراکندگی جغرافیایی مدارس، مشکلات فضای فیزیکی مدرسه، رفت‌وآمد سخت، نابرابری مناطق عشایری در برخورداری از آموزش متوسطه، حاشیه‌نشینی، پراکندگی و محرومیت مرزی و جنگی مدارس عشایری، حمله غارتگران، نبود امکانات کافی اولیه مانند برق و آب، سیستم گرمایشی محدود، فقدان مدارس شبانه‌روزی ابتدایی و پیش‌دبستانی، فاصله زیاد میان مدرسه و محل زندگی، دوری و صعب‌العبور بودن راه، فضای آموزشی نامطلوب و غیربهداشتی، وجود بیماری مشترک انسان و دام‌ها، فاصله زیاد میان مدرسه و محل زندگی	
چالش‌های مدارس عشایری	توزیع ناعادلانه محتوا، عدم انعطاف در برابر شرایط زندگی دانش‌آموزان، ناسازگاری سبک زندگی با برنامه درسی عشایری، عدم ارزشیابی کیفی، برنامه درسی نامتمرکز، مواد آموزشی ناکافی، نبود برنامه مدیریتی در خصوص برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی و رهبری	برنامه درسی
نظام آموزشی	طراحی نظام آموزشی کشور بر اساس وضعیت دانش‌آموزان یکجانشین، محدود نمودن آموزش به دوره ابتدایی، نبود یک سند و یا منشور در سطح ملی، استانی و منطقه‌ای در خصوص تشخیص و اصلاح الگوی مصرف بهینه، نبود سیاست‌های تشویقی و حمایت از مدارس، نبود نظام ارزشیابی صحیح از عملکرد معلمان، کمبود دوره ضمن خدمت در استفاده از رسانه‌های آموزشی، آموزش به زبانی غیر از زبان مادری، نبود بسترهای مناسب برای آموزش دانش‌آموزان، چادری بودن مدرسه، چندپایه بودن، مختلط بودن، فرسودگی وسایل کمک‌آموزشی، مشکلات یادگیری، کمبود امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری	
نیروی انسانی	نبود نیروی انسانی متخصص، عدم توانایی معلمان در استفاده از رسانه، دوباره‌کاری معلم در آموزش مطالب به دانش‌آموزان، اجبار به تسریع در ارائه مطالب درس به دانش‌آموزان، عدم درک و فهم مطالب به دلیل تدریس نامناسب، نسبت نامتوازن دانش‌آموزان به معلم، زیاده‌خواهی و انتظارات نامعقول مدیران مدارس، حضور نامرتب معلمان، عدم سواد مالی و اقتصادی معلمان از مشکلات در مدارس، عدم شناخت سواد مالی لازم برخی کارشناسان اداری، فشار مسئولین برای ارتقای یادگیری، تنبیه دانش‌آموز توسط معلم، ناتوانی معلم در آموزش، تشکیل دادن ۲۴ درصد از معلمان ابتدایی توسط سرباز معلم یا معلمان حق‌التدریس، سواد بهداشتی کم معلمان عشایر، آشنایی کم معلمان با روش‌های نوین تدریس و اصول روانشناسی و کلاس داری و مدیریت کلاس، کیفیت پایین آموزش، بی‌توجهی معلم، عدم شایستگی مهارتی معلمان	
عدم حمایت مردمی	عدم مشارکت و همکاری لازم از سوی برخی نهادها و ارگان‌ها، عدم مشارکت بخش خصوصی، نبود خیرین سازماندهی شده، عدم مشارکت برخی والدین	
مالی و اقتصادی	نبود سازوکارهای مشخص مالی از مدارس و معلمان و وجود دغدغه‌های مالی، بالا بودن هزینه‌های جاری مدارس ابتدایی عشایری، افزایش فشار برای بهبود وضعیت مالی، نابرابری در تخصیص منابع مالی برای مصرف بین مدارس عشایری و روستایی، منابع مالی سرانه محدود، عدم تخصیص منابع مالی برای مصرف بهینه متناسب با تعداد، جنسیت و تفاوت‌های آموزشی، درآمد کم، نبود رفاه کافی، ناتوانی در تأمین مخارج تحصیلی فرزندان	

## نتیجه‌گیری

### چالش‌های انگیزشی

یکی از انواع چالش‌ها، چالش‌های انگیزشی است که شامل نبود رغبت تحصیلی، منحصر کردن یادگیری به مدرسه، عدم امید به موفقیت تحصیلی و وجود این انگاره ترک تحصیل سبب موفقیت اقتصادی بهتر می‌شود. نتایج یافته‌های فراهانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد مسئله ایجاد علاقه و انگیزه در امر یادگیری همیشه از اهمیت بالایی برخوردار بوده است؛ لذا دانش‌آموزان عشایری نیز از این قاعده مستثنی نیستند و شاید هم نیاز به توجه بیشتری به نسبت دانش‌آموزان شهری و روستایی دارند. در مناطق عشایری عده کثیری از دانش‌آموزان برای فرار از کار در خانه و یا برای تفریح به مدرسه می‌آیند و آموزش غالباً محدود به مدرسه هست و اکثریت دانش‌آموزان تکالیفی که داده می‌شود را انجام نمی‌دهند و بنا به دلایلی مانند مدرسه به‌مانند محل تفریح و ترک تحصیل که از زبان آموزگاران توصیف می‌شود انگیزه‌هایی برای ادامه تحصیل و یادگیری از خود نشان نمی‌دهند، تأیید کننده یافته‌های پژوهش حاضر است. در تبیین این پژوهش، انگیزش نقش بسزایی در زندگی تحصیلی، موفقیت افراد، در زمان و تلاشی که برای هر کار اختصاص می‌دهند، پشتکار آن‌ها در انجام وظایف تحصیلی منعکس می‌شود و آن‌ها را قادر می‌سازد تا به درستی با موانعی که در فرایند یادگیری مواجه می‌شوند برخورد کنند.

### چالش‌های بومی محلی

بخشی از چالش‌های مدارس عشایری جنبه بومی محلی دارند که از مضامین فرعی آن می‌توان به غیبت به دلیل کوچ خانواده، تفاخر به دارایی خانواده، نوع معیشت خاص، اولویت قرار دادن کوچ دام‌ها نسبت به درس خواندن فرزندان، شیوه زندگی شبانی و اتکالی معاش به دامداری اشاره کرد. نتایج یافته‌های فراهانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان می‌دهد ازدواج زود هنگام، غیبت‌های مکرر، اصرار بر تنبیه، محدود نمودن آموزش بر دوره ابتدایی، دو زبانی و دانش‌آموز به‌عنوان نیروی کار به‌عنوان چالش‌های بومی و محلی است همچنین نتایج یافته‌های پردنجانی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که شرایط خاص اجتماعی مثل سنتی بودن مردم، فقر فرهنگی، محیط همراه با رمه‌داری مشکلاتی را به وجود می‌آورد، یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند. در تبیین این پژوهش دریافت کردیم که موضوعاتی همچون همبستگی خانوادگی، تعاون در امور زندگی، اصالت‌ها و ارزش‌های متعالی در زندگی و باورها و اعتقادات ارزشی جامعه عشایری و نوع معیشت آن‌ها در بروز چالش‌های مدارس عشایری تأثیرگذار است.

### چالش‌های زیست‌محیطی و جغرافیایی

از چالش‌های دیگر مدارس عشایری، چالش زیست‌محیطی و جغرافیایی است که دارای مضامین فرعی پراکندگی جغرافیایی مدارس، نابرابری مناطق عشایری در برخورداری از آموزش متوسطه، حاشیه‌نشینی پراکندگی و محرومیت مرزی و جنگی، حمله غارتگران است، نتایج یافته‌های میرزایی (۱۴۰۰) نشان داد پراکندگی، دوری و محرومیت مرزی و جنگی مدارس مناطق عشایری غیر کوچ رو در موسیان از حیث مسافت تا بخش چالش‌هایی را در مدارس ایجاد می‌کند همچنین نتایج یافته‌های عارف نژادوتورانی (۱۳۹۶) نشان داد که فقدان مدارس شبانه‌روزی، کوچ زود هنگام عشایر، فقدان مدرسه ابتدایی و مراکز پیش دبستانی و فاصله زیاد میان مدرسه و محل زندگی از چالش‌های مدارس عشایری است که تأیید کننده یافته‌های پژوهش حاضر هستند. در زمینه تبیین آن می‌توان گفت که با توجه به شرایط اقلیمی و جغرافیایی سرزمین ایران زندگی عشایری توأم با کوچندگی و دوری از امکانات لازم و کافی است که با توجه به این محدودیت‌های ذکر شده مشکلاتی را در زمینه تحصیل عشایر فراهم آورده است.

### چالش‌های برنامه‌ریزی درسی

گوشه‌ای دیگر از چالش‌ها، چالش‌های برنامه‌ریزی درسی است که شامل توزیع ناعادلانه محتوا، عدم انعطاف در برابر شرایط زندگی دانش‌آموزان، ناسازگاری سبک زندگی با برنامه درسی عشایری است. نتایج یافته‌های عبدلی (۱۳۹۴) نشان داد دو کوچ سالانه عشایر در مدرسه حاضر باعث افت ۳۴ درصدی زمان خالص آموزش (۵۵ روز از ۱۶۰ روز خالص برنامه‌ریزی شده) و به تبع آن به هم ریختن برنامه ریزی درسی آموزشی مدرسه، شتاب در آموزش مطالب درسی شده است. همچنین یافته‌های محمودی و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که علی‌رغم تأکید اسناد بالادستی و اساسنامه‌های آموزش و پرورش، مبنی بر منطبق کردن برنامه‌های درسی با بستر زندگی عشایری، این مهم اتفاق نیفتاده است، تأیید کننده یافته پژوهش حاضر هستند؛ در تبیین آن می‌توان به این موضوع اشاره کرد برنامه درسی عشایر تنها شامل مواردی همچون خواندن، نوشتن و حساب کردن می‌شود و مسائل اساسی همچون مباحث دامداری کشاورزی بهداشتی و به‌طور کل مهارت‌های زندگی در محیط

روستایی نمی‌شود، تدوین برنامه درسی بر اساس نیازهای اجتماعی و اقتصادی به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های زندگی روزمره خود موفق باشند.

### چالش‌های نظام آموزشی

چالش دیگر، نظام آموزشی است که مضامین فرعی مانند طراحی نظام آموزشی کشور بر اساس وضعیت دانش‌آموزان یکجانشین، محدود نمودن آموزش به دوره ابتدایی، نبود یک سند و یا منشور در سطح ملی، استانی و منطقه‌ای در خصوص تشخیص و اصلاح الگوی مصرف بهینه را دارد. نتایج یافته‌های بنده الهی (۱۴۰۲) نشان داد که کمبود کلاس‌های درس و فضاهای آموزشی و عدم بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی روز از مهم‌ترین مشکلات بر سر راه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان عشایری است. همچنین نتایج یافته‌های عطاران و عبدلی (۱۳۹۱) نشان داد پاره‌ای از ویژگی‌های سبک زندگی عشایر و برنامه درسی مدرسه که دارای ناهمخوانی هستند و در آموزش معلم عشایر ایجاد اختلال می‌کند بحث و بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کنند. در تبیین آن می‌توان گفت نظام آموزشی می‌تواند نقش مهمی در توسعه تحصیلات عشایری ایفا کند و به افراد این جامعه کمک کند تا از فرصت‌های آموزشی بهره‌وری بیشتری کسب نمایند و به سطح معرفت و دانش بالاتری دست یابند.

### چالش‌های نیروی انسانی

مسئله نیروی انسانی یکی از مهم‌ترین چالش‌های مدارس عشایری است که مضامین فرعی آن شامل نبود نیروی انسانی متخصص، عدم توانایی معلمان در استفاده از رسانه، دوباره‌کاری معلم در آموزش مطالب به دانش‌آموزان می‌شود. نتایج یافته‌های ترجمان و سیادت (۱۳۹۸) نشان داد کمبود نیروی انسانی متخصص در زمینه استفاده از تکنولوژی آموزشی، کمبود دوره‌های ضمن خدمت در استفاده از رسانه‌های آموزشی از چالش‌های مهم آموزش در مدارس عشایری هستند. همچنین طبق یافته‌های حیدرزادگان و صندوقداران (۱۳۹۶)، نرخ تراکم و نحوه توزیع معلمان در مقاطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه از وضعیت مناسبی برخوردار نیست و فرصت‌های آموزشی آن نابرابر است که تأیید کننده یافته‌های پژوهش حاضر هستند. در تبیین آن می‌توان گفت نیروی انسانی با ارائه آموزش‌های عملی و مهارتی به جامعه افراد را برای فعالیت‌های روستایی و عشایری آماده می‌کنند و نقش حیاتی در انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی به نسل‌های آتی دارند و به نحوی برقراری تعامل‌های مؤثر در جوامع عشایری را تضمین می‌کند که با توجه به کمبود نیروی انسانی متخصص در مناطق عشایری این مهم محقق نشده است.

### چالش‌های عدم حمایت مردمی

بخشی از چالش‌های مدارس عشایری، عدم حمایت مردمی است که شامل عدم مشارکت و همکاری لازم از سوی برخی نهادها و ارگان‌ها، عدم مشارکت بخش خصوصی می‌شود نتایج یافته‌های میرزایی (۱۴۰۰) نشان داد عدم مشارکت و همکاری و همچنین پشتیبانی لازم و کافی از سوی برخی از نهادها، ارگان‌ها و سازمان‌های دیگر در منطقه موسیان به آموزش و پرورش منطقه موسیان با توجه به محرومیت منطقه و مرزی بودن آن و عدم مشارکت و همکاری لازم و کافی برخی از والدین مشمول و نبود خیرین سازماندهی شده در منطقه موسیان در جهت کمک‌های مالی و پشتیبانی از آموزش و پرورش منطقه موسیان از عوامل مؤثر آن است، یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کند. در تبیین آن می‌توان اشاره کرد حمایت مردم در مدارس عشایری می‌تواند به افزایش کیفیت و بهبود روند آموزشی و تعلیمی این مدارس کمک کند و باعث توسعه جامعه محلی و افزایش سطح دانش و فرهنگ در این مناطق شود.

### چالش‌های مالی و اقتصادی

از چالش‌های دیگر مدارس عشایری، چالش مالی و اقتصادی است که شامل نبود سازوکارهای مشخص مالی از مدارس و معلمان و وجود دغدغه‌های مالی، بالا بودن هزینه‌های جاری مدارس ابتدایی عشایری، افزایش فشار برای بهبود سریع وضعیت مالی است. نتایج یافته‌های میرزایی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد تمرکز منابع و عدم تخصیص به موقع برخی از منابع مالی از طرف مرکز (تهران) و استان در جهت مصرف بهینه و به موقع منابع به مدارس ابتدایی چندپایه عشایری غیر کوچ رو در آموزش و پرورش منطقه موسیان نظیر: سرانه مدارس، انواع وام‌ها است همچنین نتایج یافته‌های عباسی (۱۳۹۷) نشان داد که مردم عشایر از نظر اقتصادی از وضع و حال خوبی برخوردار نیستند، تأیید کننده یافته‌های پژوهش حاضر هستند. در زمینه تبیین آن می‌توان گفت عوامل مالی اقتصادی و مالی می‌تواند تأثیرات عمیق و مهمی در مدارس عشایری داشته باشد و باعث محدودیت در امکانات و کیفیت آموزشی این مدارس گردد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود ارائه مطالب ویژه بومی و محلی کتاب درسی برای دانش‌آموزان عشایر در اولویت باشد، برای بهبود شرایط آموزشی در مدارس عشایری، ارتقاء زیرساخت‌های آموزشی از جمله ساختمان‌ها، تجهیزات، کتابخانه و اینترنت، اساسی است، ارتقاء

کیفیت تدریس و افزایش تعداد معلمان ماهر و باتجربه می‌تواند بهبود چشمگیری در عملکرد و تحصیلات دانش‌آموزان داشته باشد، اجرای برنامه‌های تربیتی و فرهنگی برای آشنایی دانش‌آموزان با مفاهیم جدید و ارتقاء فرهنگ و اخلاق آن‌ها می‌تواند باعث بهبود چالش‌های مدارس عشایری شود، برای مدارس عشایری می‌توان برنامه‌های آموزشی ویژه و متناسب با نیازها و شرایط خاص آن‌ها ارائه کرد تا دانش‌آموزان بتوانند بهترین منابع آموزشی را استفاده کنند، برنامه‌های حمایتی مانند کلاس‌های تقویتی، راهنمایی تحصیلی، مشاوره تحصیلی و تربیتی و دسترسی به منابع آموزشی متنوع می‌تواند به ارتقاء سطح تحصیلی دانش‌آموزان کمک کند، برای مدارس عشایری که با مشکلات مالی مواجه هستند، ارائه حمایت‌های مالی از جانب دولت، سازمان‌های غیرانتفاعی و اهداف خیریه می‌تواند بهبود شرایط آموزشی و تحصیلی آن‌ها را تضمین کند.

## منابع

- بخشنده نصرت، عباس (۱۳۸۴). میانی کوچ و کوچندگی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت معلم.
- برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (طرح جامع تحول بنیادین برنامه‌های درسی و تربیتی) (۱۴۰۰). نگاشت پنجم. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، بهمن ماه.
- بنده الهی، خدیجه و بنده الهی، مرتضی (۱۴۰۲). واکاوی چالش‌ها و فرصت‌های آموزش و پرورش عشایری با تکیه بر تکنولوژی آموزشی. اولین همایش ملی مطالعات کاربردی در حوزه‌های آموزش و پرورش عشایری، کلیبر.
- ترجمان، لیلا و سیادت، سیدحسین (۱۳۹۸). امکان سنجی استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان. مدیریت و برنامه ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱۲ (۱ (پیاپی ۲۲))، ۳۱۱-۳۳۷.
- تورانی، حیدرو عارف نژاد، سعید (۱۳۹۶). بررسی موانع و شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و عشایری. فصلنامه علمی - پژوهشی تعلیم و تربیت، ۳۳ (۴)، ۳۱-۴۸.
- حیدرزادگان، علیرضا و صندوقداران، محمد حسین (۱۳۹۶). فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان: (برابر یا نابرابر). مطالعات برنامه ریزی آموزشی، ۱۱ (۱)، ۱۵۹-۱۷۵.
- خسروی، مریم و پورنقی، رویا (۱۳۹۸). ابعاد اثرگذاری پژوهش: مطالعه مرور سیستماتیک. پژوهش‌نامه علم سنجی، ۵ (۱ (پیاپی ۹))، ۲۰۳-۲۲۴.
- رحیمی پردنجانی، یعقوب؛ شفیعی سروستانی، مریم؛ جهانی، جعفر و محمدی، مهدی (۱۳۹۹). واکاوی شایستگی‌های معلمان عشایر کوچنده: مطالعه پدیدارشناسانه. پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی)، ۱۷ (۳۹ (پیاپی ۶۶))، ۳۹-۶۱.
- زاهدی آب باره، سارا؛ عثمانی، پرشنگ؛ شیری، ژاله؛ دوغی، ثانیه و محمدی، فروزان (۱۴۰۰). تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش. مجله مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۵ (۵۱).
- سرکار آرانی، محمدرضا (۱۳۸۹). فرهنگ آموزشی و یادگیری پژوهشی مردم نگارانه با رویکردی تربیت. تهران: انتشارات مدرسه سلاطینی اسلامی، اکرم (۱۳۹۵). فلسفه تعلیم و تربیت. کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش، آذرماه.
- عباسی سروک، لطف الله (۱۳۸۸). تاریخ و فعالیتهای آموزش و پرورش عشایر ایران. تهران: مهر آوه عصر
- عباسی، اسدالله (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل اهداف تعلیم و تربیت عشایر با تکیه بر دیدگاه‌های تربیتی بهمن بیگی: تحلیل محتوای کیفی. تدریس پژوهی، ۶ (۳)، ۱۴۶-۱۲۳.
- عبدلی، مصطفی (۱۳۹۴). چالش بین کوچ عشایر و مدارس عشایر کوچ رو. نظریه و عمل در برنامه درسی، ۳ (۵)، ۲۲-۵.
- عطاران، محمد و عبدلی، مصطفی (۱۳۹۱). فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ رو: روایت‌های یک معلم. مطالعات برنامه درسی، ۷ (۲۵)، ۴۵-۶۴.
- فرمیهنی فراهانی، محسن؛ مدنی، سیدهادی و عظیمی آقبلاغ، احد (۱۴۰۰). تحلیل پدیدارشناسانه‌ی تجارب زیسته آموزگاران از چالش‌های آموزش در مدارس ابتدایی عشایری. برنامه درسی و آموزش یادگیرنده محور، ۱ (۲)، ۳۳-۴۹.
- فیوضات، یحیی (۱۳۸۹). مبانی برنامه ریزی آموزشی. تهران: نشر ویرایش
- محمودی، فیروز؛ عظیمی آقبلاغ، احد و مدنی، سیدهادی (۱۳۹۹). مطالعه ویژگی‌های عناصر برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری. پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی)، ۱۷ (۳۸ (پیاپی ۶۵))، ۳۱-۴۸.
- میرزایی، مهدی (۱۴۰۰). بررسی چالش‌ها و راهکارهای عملی بهبود مدیریت تخصیص و مصرف بهینه منابع مالی در مدارس ابتدایی چندپایه عشایری غیر کوچ رو آموزش و پرورش منطقه ی موسیان در استان ایلام. پژوهش در آموزش کلاس‌های تلفیقی و چندپایه سال اول بهار و تابستان، دوره ( ۱ )، ۷۱-۸۴.

- Abdi, I. A. (2010). Education for all (EFA): reaching Nomadic communities in Wajir, Kenya-challenges and opportunities (Doctoral dissertation, University of Birmingham).
- Aide, A., Luka, L., Shuaibu, M., & Bello, A. U. (2023). Nomadic Education: A Panacea for Herdsmen and Farmers Conflicts in North Eastern Nigeria. *Kashere Journal of Politics and International Relations*, 1(1)
- Bakhshandeh Nusrat, Abbas (2005). Basics of nomadism in Iran, Tehran: Tarbiat Moalem University Press.
- Document on the Fundamental Transformation of Education (2013), Supreme Council of Cultural Revolution and Supreme Council of Education, Azar.
- Fundamental change of education.
- Ibanga, I. (2016). Problem and prospect of nomadic education in Nigeria. Retrieved June, 29, 2019
- Iro, I. (2006). Nomadic education and education for nomadic Fulani. Retrieved May, 18, 2007
- Ismail Ali, Ahmed (2019). Challenges of Nomadic Pastoralists in Availing Primary Education to their Children, focusing on Hawd Region of Somaliland . *American Research Journal of Humanities Social Science (ARJHSS)* E-ISSN: 2378-702, X Volume-02, Issue-02, pp-28-47 .
- Ismail Ali, Ahmed (2019). Challenges of Nomadic Pastoralists in Availing Primary Education to their Children, focusing on Hawd Region of Somaliland . *American Research Journal of Humanities Social Science (ARJHSS)* E-ISSN: 2378-702X Volume-02, Issue-02, pp-28-47 .
- Kashi M, Agahiyan K. (2009). Dialogue interactive education plan using country data network inrural and tribal areas. Second E-Learning Conference. (Persian)
- Kashi M, Agahiyan K. (2009). Dialogue interactive education plan using country data network inrural and tribal areas. Second E-Learning Conference. (Persian)
- National Curriculum of the Islamic Republic of Iran (Comprehensive Plan for the Fundamental Development of Curriculum and Education Programs) (2021). The fifth map. Tehran: Educational Research and Planning Organization, February.
- Satyasavitri V. B.\*, and Dr. P. M. Honakeri.(2018). Impact of Ashram Schools Issues and Challenges of Tribal Education in India. *International Journal of Scientific and Research Publications*, Volume 8, Issue 2.
- Satyasavitri V. B.\*, and Dr. P. M. Honakeri.(2018). Impact of Ashram Schools Issues and Challenges of Tribal Education in India. *International Journal of Scientific and Research Publications*, Volume 8, Issue 2.
- Yusuf, H., & Ikiugu, J. (2024). Nomadic Education Policy's Effectiveness in Enhancing Access to Primary Schools by Learners in Balambala Sub-County, Garissa County, Kenya. *Journal of Education*, 4(6), 31-39.